

تسلیت به ملت بزرگ ایران

جبهه ملی ایران مصیبت های عظیم پیش آمده در روزهای پایانی آبان ماه را به ملت بزرگ ایران به ویژه به خانواده هایی که عزیزان خود را از دست داده اند تسلیت میگوید و خواهان آزادی فوری زندانیان سیاسی به خصوص هزاران زندانی اعتراضات اخیر میباشد. جبهه ملی ایران اعمال خشونت را به هر شکل و از طرف هر نهاد یا گروه ویا هر شخصی تقبیح و محکوم میکند. و امیدوار است که با رعایت قانون و بها دادن به مردم و در نظر گرفتن مصالح و منافع ملی و پرهیز از خشونت، مهین عزیزمان از گرفتاری ها و صدمات بزرگتر محفوظ بماند.

سرمقاله

هفتاد سال

را در ایران تاب نیاورند و با کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ به حیات دولت ملی ایران نقطه پایان بنهند. از فردای کودتا، احزاب و نیروهای تشکیل دهنده جبهه ملی ایران در شرایطی بس دشوار و خطرناک «نهضت مقاومت ملی» را بوجود آوردند که این سازمان تا حدود ۵ سال علیرغم سرکوب شدید دولت کودتا به مبارزه با کودتاجیان ادامه داد. در تیرماه ۱۳۳۹ همکاران دکتر مصدق و اعضای قدیمی شورای مرکزی جبهه ملی و فعالین نهضت مقاومت ملی مجدداً شورای مرکزی جبهه ملی ایران را احیا و مبارزات آزادیخواهانه و استقلال طلبانه خود را تحت نام جبهه ملی ایران تداوم بخشیدند، که تا سال ۱۳۴۳ دوران درخشانی از قدرت تشکیلاتی و اثرگذاری فوق العاده ای در سیاست کشور را به منصفه ظهور رسانیدند. و در دیماه ۱۳۴۱ توانستند کنگره با شکوه و بی نظیری را برگزار نمایند. این دوره از فعالیت جبهه ملی ایران متأسفانه در سال ۱۳۴۳ هم به علت برخی اختلافات درون سازمانی بيمورد و نا موجه و هم به سبب تغییرات سیاسی در منطقه و جهان با توقف روبرو شد. و باید در تاریخ ثبت شود که این توقف بسیار به زبان جنبش آزادیخواهی و استقلال طلبی ملت ایران تمام شد. زیرا در صحنه نبودن جبهه ملی ایران در این چند سالی که به انقلاب سال ۵۷ منتهی گردید، موجب شکل گیری نیروهایی گردید که در زمان انقلاب دست بالا را داشتند و توانستند انقلاب و سمت وسوی آن را در اختیار بگیرند. در خرداد ماه سال ۱۳۵۶ با نامه سرگشاده ۳ تن از شخصیت های جبهه ملی ایران، آقایان دکتر سنجابی، دکتر بختیار و داریوش فروهر به شاه فعالیت مجدد

نهایی برسانند. و در تاریخ هفتم اردیبهشت ۱۳۳۰ رهبر جبهه ملی ایران به منظور اجرای قانون ملی شدن نفت، مسئولیت تشکیل دولت را پذیرفت. دولت ملی مصدق برنامه دولت خود را در دو ماده خلاصه کرد. اول اجرای قانون ملی شدن نفت و دوم اصلاح قانون انتخابات. دولت ملی در ماده اول برنامه خود مبارزه ی ضد استعماری و کوتاه کردن دست استعمار انگلیس از منابع نفتی ایران و دخالت گسترده شرکت نفت ایران و انگلیس از کلیه ی شئون کشور و در ماده دوم مبارزه ضد استبدادی و تحقق حاکمیت ملی بوسیله انتخابات آزاد و سالم را هدف گرفته بود. دولت ملی طی دو سال و چهارماه حکومت پر فراز و نشیب و پر حادثه و تاریخ ساز خود، علاوه بر ملی کردن نفت و پایان دادن به نفوذ انگلیس در ایران، خدمات و اصلاحات متعددی را در زمینه های مختلف انجام داد و آزادی های اساسی ملت ایران مانند آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، آزادی احزاب و اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر را به مرحله عمل در آورد. در تمام دوران حکومت دولت ملی مصدق، نیروها و احزاب تشکیل دهنده جبهه ملی ایران به منزله بازوی سیاسی و مردمی دولت، پشتیبان و حامی دولت ملی بودند. دولت ملی مصدق با انجام اصلاحات و اقدامات بنیادین خود، ایران را به شکل الگویی موفق در پیاده کردن دموکراسی و حاکمیت ملی و کسب استقلال در بین کشورهای عقب نگاهداشته شده جهان سوم در آسیا و آفریقا و سایر نقاط جهان به نمایش گذاشت و همین سبب شد که کشورهای قدرتمند جهان در آن روز، انگلیس و آمریکا و شوروی، وجود این حاکمیت ملی و مستقل

در جریان انتخابات دوره ی شانزدهم مجلس شورای ملی، در روز ۲۲ مهر ۱۳۲۸ دکتر محمد مصدق، اسطوره جاویدان و فنا ناپذیر تاریخ ایران در اعتراض نسبت به آزاد نبودن انتخابات به طرف کاخ مرمر راهپیمایی و سپس به اتفاق ۱۹ نفر از همفکران خود به مدت چهار شبانه روز در کاخ تحصن نمود. در این تحصن اعتراضی اولین سنگ بنای جبهه ملی ایران بر زمین نهاده شد. جبهه ملی ایران از آغاز از مشارکت و همکاری احزاب ملی، اصناف و جمعیت ها و شخصیت های سیاسی ملی و مدیران مطبوعات که تنها رسانه های عمومی در آن زمان بودند، تشکیل گردید. و این شکل از تجمع به همان گونه همچنان حفظ شده و تداوم دارد و جبهه ملی ایران همچنان از احزاب و شخصیت ها و سازمان های صنفی - سیاسی باورمند به اساسنامه و اصول اعتقادی این سازمان تشکیل شده است. جبهه ملی ایران به محض تشکیل در آبانماه ۱۳۲۸ با انتخابات فرمایشی مجلس شانزدهم به مبارزه برخاست. و با برپایی میتینگ ها و جلسات سخنرانی و دادن بیانیه ها و نوشتن مقاله ها در روزنامه ها به ویژه روزنامه های باختر امروز، جبهه آزادی و شاهد موفق شد هیئت حاکمه را به ابطال انتخابات تهران ناگزیر نماید و در انتخابات مجددی که برگزار شد، ۸ تن از اعضای جبهه ملی ایران و در پیشاپیش آنان دکتر محمد مصدق به مجلس شانزدهم راه یافتند. همین اعضای جبهه ملی ایران با همراهی چند تن دیگر از نمایندگان مجلس و با حمایت افکار عمومی ملت ایران، موفق شدند، قانون ملی شدن نفت در سراسر کشور را در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ به تصویب

ایران انتخاب شدند. از آن تاریخ تا کنون نیز شورای مرکزی در ۳ نوبت، بر طبق اساسنامه چند نفر را به جای اعضای فوت شده و یا اعضای خارج شده از شورا انتخاب نموده است. در آبان ماه ۱۳۹۸ هفتاد سال از بنیانگذاری جبهه ملی ایران توسط بزرگ مرد تاریخ ایران، دکتر محمد مصدق گذشت. در طول این هفتاد سال هزاران ایرانی میهن دوست و آزادیخواه، در این سازمان تلاش کرده و عمر گذاشته اند. صدها نفر در پی اهداف و آرمان های این سازمان که همانا آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی است، توسط حکومت های استبدادی در جریان مبارزات، کشته شده، یا اعدام گردیده و یا مورد ترور قرار گرفته اند. در طی این مدت صد ها میتینگ و راهپیمایی و تظاهرات و گردهمایی توسط این سازمان برگزار گردیده و هزاران نسخه روزنامه و نشریه و بیانیه در جهت خواسته های ملت ایران و برقراری آزادی و استقلال و تحقق حاکمیت ملی منتشر شده است. مجموع این تحرکات و تلاش ها و اعلام مواضع، مکتبی را بوجود آورده که اهداف و استراتژی و تاکتیک های آن به روشنی در برابر همگان مجسم است. مکتب مصدق، مکتب جبهه ملی.

وجود اختفای برخی از مسئولین و مهاجرت چند تن از رهبران جبهه ملی ایران به خارج از کشور، خوشبختانه تشکیلات جبهه ملی ایران توانست چهارچوب های سازمانی خود را، ولو به شکل محدود تر حفظ نماید. در تابستان سال ۶۴ و در بحبوحه جنگ عراق علیه ایران، شورای مرکزی جبهه ملی ایران، اولین جلسه خود را پس از تهاجم حکومت در روز ۲۵ خرداد سال ۶۰ برگزار نمود. در آن جلسه شورای مرکزی به این جمع بندی رسید که تا کشور در گیر جنگ با دشمن متجاوز خارجی است باید از موضع گیری سیاسی شدید خودداری کند. پس از خاتمه جنگ، فعالیت جبهه ملی ایران به تدریج بیشتر شد. و از سال ۱۳۷۲ جلسات ماهیانه شورای مرکزی به دعوت شادروان ادیب برومند، مجدداً برقرار گردید. و یک هیئت اجراییه شش نفره برای اداره امور سیاسی و تشکیلاتی جبهه ملی ایران انتخاب گردید. انتشار نشریه درون سازمانی پیام جبهه ملی ایران آغاز شد. در روز دوم آبان ماه ۱۳۸۲ پلنوم جبهه ملی ایران تحت نام «پلنوم الهیار صالح» بر پا گردید. در این پلنوم، ضمن بازنگری اساسنامه، سی و شش نفر به عنوان اعضای شورای مرکزی جبهه ملی

جبهه ملی ایران از سر گرفته شد. در آستانه انقلاب ۵۷ آقای دکتر شاپور بختیار کوشید تا شاید از طریق قانون اساسی مشروطیت برقراری آزادی و حاکمیت ملی را محقق نماید. که البته شانس موفقیت برای پیمودن چنین مسیری، همانطور که خود ایشان اذعان نمود به علت از بین رفتن فرصت ها، خیلی ضعیف و نا محتمل بود. اما اکثریت قریب به اتفاق شورای مرکزی جبهه ملی ایران به راه انقلاب و عبور از سلطنت پیوستند. کوشش این اکثریت قاطع برای هدایت انقلاب به مسیر صحیح و منتج به حاکمیت ملی و دموکراسی متاسفانه بی نتیجه ماند. و قدرتمداران برخاسته از انقلاب راه را بر اندیشه ملیون و استقرار حاکمیت ملی بستند و لذا از همان روزهای نخستین پیروزی انقلاب بین جبهه ملی ایران و طرز تفکر حاکم بر انقلاب، اختلاف نظر و پیدایش زاویه در دیدگاه ها بروز کرد. در آن برهه جبهه ملی ایران بر سر اهداف و آرمان های خود تا آنجا ایستادگی کرد که در روز ۲۵ خرداد ۱۳۶۰ حکومت جمهوری اسلامی برای خارج کردن جبهه ملی ایران از صحنه، به حربه تکفیر و ارتداد جبهه ملی متوسل گردید. اما علیرغم یورش سنگین حکومت و با

منازعه جمهوری اسلامی و غرب و مسئله زمان

ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۰ ممکن است در مناظره ها توسط کاندیدای نهائی حزب دموکرات مورد استفاده قرار گیرد با این دستاویز که ترامپ هیچ دستاوردی در نتیجه خروج از برجام نداشته است و با خروج از برجام تنها باعث خدشه دار شدن امنیت هم پیمانان آمریکا شده است. اما در صورت حفظ شرایط مناسب اقتصادی فعلی آمریکا و صدمه ندیدن امنیت پایگاه های نظامی آمریکا در خاورمیانه در اثر اقدامات نظامی محور مقاومت، امکان بهره برداری کاندیدای حزب دموکرات از موضوع بحران جمهوری اسلامی بعنوان ابزاری تعیین کننده جهت شکست ترامپ قابل توجه به نظر نمی رسد چرا که معمولاً حل مشکلات اقتصادی نسبت به مسائل روابط بین الملل از اهمیت بیشتری برای رای دهندگان آمریکایی برخوردار خواهد بود. لذا با احتمال قابل توجهی میتوان انتظار داشت که با گذشت زمان و تداوم قطع منابع ارزی درآمدهای جمهوری اسلامی و با توجه به احتمال تداوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ تا ۲۰۲۴ و ناچیز بودن احتمال استیضاح ترامپ در مجلس سنا، جمهوری اسلامی نهایتاً به توافقی مبتنی بر پذیرش شرایط اعلامی آمریکا برای حل و فصل مشکلات تن خواهد داد مگر اینکه تا قبل از چنین رویدادی محور مقاومت در رویکردی پیش دستانه جنگی فرسایشی را تا قبل از انتخابات ۲۰۲۰ آغاز نماید، جنگی برای تعیین قاعده بازی و جلوگیری از سقوط.

در وضعیت اقتصادی-سیاسی-اجتماعی-امنیتی طرفین منازعه میتوان به این نتیجه رسید که تاثیر منفی ائتلاف وقت در نتیجه عدم حصول توافقی پایدار و رفع تحریم ها به میزان قابل توجهی به ضرر جمهوری اسلامی است چرا که تحریم ها منبع درآمد حکومت را بشدت تحت تاثیر قرار داده است که نهایتاً در نتیجه انسداد شریان های مالی تنفس را تقریباً ناممکن خواهد ساخت. شایان ذکر است وضعیت نابسامان اقتصادی برخلاف پایداری صوری و شکننده قیمت ارز، اثرات خود را در توقف فعالیت کارخانجات، عدم تخصیص بودجه عمرانی و افزایش مالیات برای جبران کسری بودجه جاری نشان داده است که این وضعیت در بلندمدت میتواند به ورشکستگی اقتصادی کشور منتهی شود. از سوی دیگر آمریکا دیگر واردکننده نفت خاورمیانه نیست و آنچه برای آمریکا مدنظر است نه حفظ امنیت اعراب حاشیه خلیج فارس در تقابل با جمهوری اسلامی بلکه مقابله اقتصادی-سیاسی با جمهوری خلق چین است چرا که طبق پیش بینی های نهادهای مالی بین المللی تا سال ۲۰۵۰ چین با عبور از آمریکا تبدیل به قدرت اول اقتصادی جهان خواهد شد. البته اتحادیه اروپا همچنان به نفت خلیج فارس وابسته خواهد بود و نسبت به تعرض به کشورهای حاشیه خلیج فارس، سمپاتی بیشتری با دول عربی نشان میدهد. با این وجود ائتلاف وقت در نتیجه عدم توافق در بازه زمانی پیش رو تا قبل از انتخابات

یک سال و نیم پس از خروج آمریکا از برجام، شرایط منطقه ای و بین المللی به وضعیتی غیرقابل بازگشت سوق داده شده است. تدریجاً پس از گسترش تحریم ها در طی یکسال اخیر، شاهد تشدید منازعات نظامی در سوریه، یمن، خلیج فارس و حتی عراق بوده ایم. با میلیتاریزه شدن رو به تزاید در تنگه هرمز، تدریجاً شاهد اقداماتی همچون هدف گیری نفت کش ها، سرنگونی پهپاد آمریکایی و از همه مهمتر حمله موشکی به پالایشگاه های عربستان سعودی و توقف تولید روزانه ۵٫۷ میلیون بشکه نفت بوده ایم. با توجه به رویکرد قابل پیش بینی جمهوری اسلامی در اجلاس اخیر سازمان ملل مبنی بر «نه جنگ و نه صلح» و موضع گیری تروئیکای اروپایی بر علیه جمهوری اسلامی پس از وقوع حمله به شرکت آرامکو سعودی، برجام حتی دیگر برای اتحادیه اروپا اهمیت سابق را ندارد و قدرت های اروپایی نیز نهایتاً به دنباله روی از سیاست های آمریکا مبنی اعلام نارضایتی از شرایط موجود و پذیرش تلوچی ناکارآمدی برجام برای ایجاد امنیت نرم در خاورمیانه متقاعد شده اند. در این شرایط آنچه برای هرکدام از دوسوی منازعه شامل محور غربی-عربی در یکسو به رهبری آمریکا و محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی بعنوان متغیری مهم و تاثیرگذار می بایستی مدنظر قرار گیرد اهرم زمان است. گذشت و ائتلاف وقت در نتیجه عدم توافق به نفع کدامیک از طرفین است؟ با حداقلی از کاوش

ملی‌گرایی جبهه ملی ایران چگونه است؟

مدیریت اقتصادی و اجرایی آنجا را بر عهده گیرند، راهکارهایی است، که موجب تحکیم احساس تعلق در باشندگان سراسر ایران می‌گردد. از دل آزادی‌برابری فرصت‌ها و موقعیت‌ها بیرون می‌آید که شهروندان یک کشور با موقعیتی برابر امکان مشارکت سیاسی را دارا هستند و این موضع برابر به هیچ فرد و طبقه و گروهی موقعیت ممتاز برای سلطه‌گری و اقتدارگرایی تمامت‌خواه نمی‌دهد، بلکه قانونی دموکراتیک بر مبنای حاکمیت ملت تعیین گر می‌باشد. گفتمان منافع ملی‌اش، گفتمانی شامل است، تقدم منافع ملی در هر تصمیم کلان مملکتی. اگر از محوریت زبان فارسی برای ارتباط طولی و عرضی در این حوزه‌ی تمدنی و برخورداری از میراث فرهنگی سخن گفته می‌شود نفی جایگاه دیگر زبان‌ها نیست که هر یک بازتابگر فرهنگی پویا می‌توانند باشند و جای هم را قرار نیست بگیرند بلکه می‌توانند در تعاملی پویا هم افزایشی داشته باشند.

میهن‌گرایی سازنده‌ی مصدقی، وحدت در عین کثرت است. فرهنگ ایران زمین رنگین‌کمانی متنوع است، رنگ‌های زیبا و متنوع مستقل و مرتبط با هم زیبایی واحدی را در عین تمایز هریخش می‌آفرینند. همدیگر را به رسمیت می‌شناسند و ایران را ملکی مشاع می‌بینند که قابل تجزیه نیست، هیچ بخشی نیز امتیاز خاص بر بخش دیگر ندارد. هموزن‌نگرانی برای تمامیت ارضی، دل‌نگران‌چیرگی استبداد و خودکامگی نیز هست، که کرامت و شان انسانی را هدف قرار می‌دهد. این میهن‌گرایی مبتنی بر قانونی اساسی به تعبیر صاحب‌نظرانی چون هابرماس است، که ارزش‌های مشترک اقوام را در واحد ملت-دولت یگانه‌ای تعریف می‌کند، ارزش‌هایی چون دموکراسی و آزادی‌اندیشه و نیز توسعه‌ی حقوق بشر. از یاد نبریم در عصری می‌زییم، که همگرایی بر واگرایی اولویت یافته است، مانند تشکیل اتحادیه‌ی اروپا.

وطن به خاک تو سوگند و سخت سوگندی
اسیرعشق تو حاشا هراسد از بندی
وطن شکسته دلا خسته تر ز من تنها
بخوان به شور نوبنی چکامه‌ی فردا
وطن نشسته به چهرت غبار استبداد
شکوه زخم تو نازم ز خنجر بیداد
وطن دوباره بخوان گلسرود آزادی
کهن ترانه‌ی عشق و امید و دلشادی
وطن به حرمت بیداریت نماز آرم
بر آستان بلندت سر نیاز آرم
یکم آبان ماه ۹۸ هفتادمین سالروز اعلام تاسیس
جبهه‌ی ملی ایران

منافع ملی را پی می‌جوید، نگاهی نابیکانه هراس و سازگاری که هویت خود را نه در تقابل و تضاد با دشمن، بلکه بر بنیاد فرهنگی که دیگری را به رسمیت می‌شناسد اما مرزهای خود را نیز مقتدرانه دارد، می‌جوید و با ادبیاتی نه از بالا به پایین و نه از پایین به بالا با دیگری هویتی‌اش وارد گفت و شنید می‌شود. قدرت نظامی و دفاعی را مهم می‌شمرد اما قدرت فرهنگی نیز برایش هم وزن چنین قدرتی و بلکه فراتر از آن مهم است. نظامی‌گری تنها در دفاع از تمامیت ارضی معنا می‌یابد و در عرصه سیاست داخلی و دیپلماسی فرهنگ گفتگویی خردبینیاد و شعورمدار چراغ راه است.

چنان که دکتر محمد مصدق بدون ماجراجویی‌های نظامی سرفراز در برابر قدرت‌های بیگانه به پشتوانه‌ی ملت ایران ایستاد. به بهانه‌ی امنیت ملی و حساسیت اوضاع، آزادی‌های مشروع سیاسی را محدود نکرد. او ملت را رعیت محتاج به چوپان نمی‌دید، بلکه ایشان را شهروندان و باشندگان محق و نه مکلف بر می‌شمرد. چنین نگرشی جز منافع ملی تابویی ندارد. لطمه‌های تاریخی روسیه و شوروی سابق و چین مائوئیستی را از یاد نبرده است و با هیجان‌های غرب ستیزانه‌ی یادگار حزب وابسته به برادر بزرگ منافع ملی‌اش را زیر پا نمی‌نهد. کرامت انسانی معیار اخلاقی‌اش است و ستم به انسان چه در غزه و سوریه و بحرین و چه در ایغور و کرانه و هنگ کنگ و برمه را محکوم می‌کند.

جبهه‌ی ملی ایران با استناد به منشورش موظف است، بستری را فراهم کند، که راه حل نجات ایران در باز احیای دیکتاتوری نظامی جستجو نشود و آزادی و دموکراسی در تقابل با تمامیت ارضی پنداشته نگردد. سخنان و شعارهای تلخ حاکی از جدایی‌خواهی گروه‌هایی اقلیت، یکی از دلایلی شاید تحریک بیگانگان باشد اما نباید ضعف مدیریت داخلی را در پاسخگویی به مطالبات برحق مردمان شریف آن مناطق نادیده بگیریم. ردپای برخی جریان‌های حکومتی که قدرت‌های مالی و امنیتی دارند در این بحران‌ها قابل توجه است. برخوردهای خلاف اصول حقوق بشر نیز با کسانی که ولو به باور ما اشتباه می‌اندیشند، قابل نقد و اعتراض است. حقوق متهمان در هر شرایطی باید رعایت شود. در کنار هشپاری و مواجهه با نیروهای تفرقه‌افکن باید زمینه‌های آن را از بین برد. با سرمایه‌گذاری، کارآفرینی، ارتقای رفاه و تامین اجتماعی، اعطای آزادی‌های مشروع برای حفظ فرهنگ و زبان قومی، برداشتن تبعیض مذهبی و سیاسی تا صاحبان صلاحیت در هر استان کشور که مذهب و زبان و هویت قومی آن ناحیه را دارند بتوانند

جبهه‌ی ملی ایران از بدو تولدش، چنان که نامش آینه‌ی هویتی آن است، نگاهی ملی‌گرایانه داشته است. در ادبیات سیاسی و جامعه‌شناختی غرب نیز به ویژه در دو قرن اخیر مفهوم ناسیونالیسم مطرح شد که در فارسی برای آن ملی‌گرایی و ملت‌گرایی به عنوان برابر نهاد آن به کار رفته است. نکته‌ی مهم آن که قرائتی از این مفهوم در غرب از دل خرده‌بورژوازی سنت‌گرا سربرآورد که با ویژگی‌هایی روان‌شناختی نظیر قدرت‌طلبی تمامت‌خواه و اقتدارگرا با نژادپرستی و برتری‌جویی خونی و نژادی درآمیخت و فاجعه‌هایی چون ظهور نازیسم و فاشیسم را رقم زد. نگاه‌های تاریخی این جریان‌ها به تعبیر نیچه عتیقه‌ای و عظمت‌گرا بود نه انتقادی. این قرائت مبنای ثبات بخشی به هویت ملی را نداشت و بیشتر برای برانگیختگی هیجان‌های سیاسی میان افرادی با احساس‌های کهنتری و نامنی و حرمت‌خود جریحه‌دار شده در راستای تحکیم قدرتی خودکامه و مستبد به کار گرفته شد و با ساختن هویت و تاریخی کاذب و سفسطه‌های شبه علمی، ناریسیسم (نرگسانگی) جراحی دیده‌ی برخی ملل و اقوام را هدف قرار داد و نه تنها توده‌ها که شماری از روشنفکران را نیز با خود همراه ساخت. در ایران نیز تحت تاثیر این گفتمان غالب فکری در برهه‌ای از تاریخ اروپا، جریان‌هایی را با بهره‌گیری نابینشمنانه از آنجا تقلید کردند و به استفاده‌ای ابزاری از نمادهایی دست‌یازید، که شاید در مطالعات تاریخی ریشه‌ای آریایی داشته‌اند، اما در بافتار خودشان باید معنا می‌یافتند، نه در بافتار قرائتی نژادپرستانه و برتری‌جویانه.

دکتر محمد مصدق با تیزبینی و هوشمندی از آغاز با محور قرار دادن آزادی در عرصه‌ی اندیشه، بیان و عمل، دموکراسی، استقرار حاکمیت ملت و قانون منبعث از برگزیدگان ملت راه خود را از چنین جریانی متمایز و ملی‌گرایی تکثرگرا را متجلی ساخت، که همه‌ی باشندگان ایران زمین را فارغ از قومیت، مذهب و زبان مادری دارای حقوق یکسان دید و هدفش رفاه و آبادانی ایران موجود در چارچوب حکومتی دموکراتیک بود که به دور از تعدی‌طلبی و برتری‌جویی با دیپلماسی قدرتمند به پشتوانه‌ی حمایت‌آحاد ملت ایران جایگاهی درخور را در جامعه‌ی جهانی بیابد. این اندیشه‌ی فارغ از فرد مصدق مقبولیت عامی در بین اعضای این جبهه تا به امروز داشته است و در آخرین منشور جبهه‌ی ملی ایران نیز این دیدگاه انعکاس یافته است. اگر بخواهیم به بیانی نظری از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی به تبیین این دیدگاه پردازیم، جبهه‌ی ملی ایران از منظر «میهن‌گرایی سازنده» constructive patriotism

بانگ طربناک از این دیار نیاید
بوی رهایی از این حصار نیاید
کز سوی این دشت جز غبار نیاید
روی بگردان ز گردباد حوادث

استاد ادیب برومند

شرحی بر اصول اعتقادی هشتگانه جبهه ملی ایران

زبان مشترک همه اقوام ایرانی و نه قومی خاص به عنوان منبع غنی ادبیات و تاریخ ایران با ستاره های درخشانی چون فردوسی و حافظ و سعدی و مولوی و... بسیاری بزرگان دیگر که بیان آرمان های ملی و اخلاقی و معنوی و پندهای حکیمانه و آثار شجاعت و دلآوری ها و رزم ها و هنرها و دردها و رنج ها و زیبایی ها و لحظات شیرین زندگی همه اقوام ایرانی است، باید از طریق آموزش ترویج و گسترش یابد و بزرگان ادبیات فارسی از سانسور استبداد آزاد شوند تا ایرانیان از طریق زبان فارسی با مفاخر ادبی و فرهنگی خویش بیشتر آشنا شوند. این آشنایی با زبان زیبای فارسی موجب حس همدلی و اتحاد ملی و تبادل فرهنگی میان اقوام مختلف کشور می شود. سیاست خارجی باید بر اساس مصالح و منافع ملی و حفظ تمامیت ارضی کشور باشد. حقوق ملی ایران به عنوان عضوی از جامعه جهانی باید حفظ شود. رابطه با سایر کشورها باید بر پایه دوستی و احترام و حقوق متقابل باشد. از هر گونه اعمال تشنج آفرین و ماجراجویی و دخالت در امور سایر کشورها و هم چنین دخالت بیگانگان در امور داخلی به جد پرهیز شود. در روابط بین المللی باید اصول و هدف های منشور ملل متحد رعایت شود. سیاست خارجی دکتر مصدق بهترین الگو و نمونه سیاست خارجی و روابط بین المللی در زمان مبارزه با دولت انگلیس بود. دکتر مصدق نه شعار داد و نه مرگ بر انگلیس و آمریکا کرد و نه به قوانین بین المللی بی احترامی کرد و نه از مذاکره با انگلیس واهمه داشت. با استفاده از همین قوانین بین المللی در دادگاه لاهه دولت انگلیس را محکوم و حقوق ملت ایران را استیفاء کرد. اکنون که جهان اسلام گرفتار گروه های افراطی بنیاد گرا و تروریستی وابسته است، مبارزه با هر گونه تروریسم فردی و گروهی و دولتی و همکاری با دول دیگر بر اساس منشور ملل متحد برای حفظ صلح و دوستی در مقیاس جهانی و منطقه امری ضروری است. نتیجه اینکه با یک حکومت ملی و جمهوری دموکراتیک و با مشارکت مردم می توان ایران را به کشوری آباد و آزاد و توسعه یافته تبدیل کرد. ملت ایران باید بر این امر واقف شود که کشور ملک مشاع همه فرزندان این مرز و بوم است. هیچ کس و هیچ قوم و گروه و قشری به هیچ دلیلی ایرانی تر از دیگری نیست. همه فرزندان ایران به یکسان صاحب این خانه هستند و به یک اندازه حق و در قبال آن مسئولیت دارند. به هوش باشیم و همه با هم از سرزمین خویش در مقابل هر بیگانه و مستبدی دفاع کنیم و این سرای امید را سرفرازانه به نسل آینده بسپاریم.

های علمی است. حکومت باید امکانات و منابع و سرمایه های ملی را متناسب شرایط مناطق مختلف کشور برای رشد تولید و افزایش اشتغال عادلانه تقسیم و توزیع نماید و منابع و ثروتهای عمومی را که در اختیار دارد به نحوی عادلانه هم جهت اشتغال و تولید و هم امکانات بهداشتی و آموزشی و سایر خدمات عمومی بین مردم توزیع نماید. در این توزیع عادلانه منابع و امکانات باید اولویت را به مناطق محروم بدهد. توزیع امکانات برابر غیر از برابر کردن اجباری مردم است. برابر کردن نابرابرها توسط قدرت سیاسی، به رفتار نابرابر با برابرها منجر می شود. حکومت نمی تواند و نباید نقش رابین هود را بازی کند و از اغنیا بگیرد و به فقرا بدهد. آزادی و برابری حقوقی ناگزیر به نابرابری منجر می شود. اما کسانی که از امکانات و منابع عمومی بیشتری استفاده می کنند، باید سهم جامعه را به عنوان مالیات بپردازند.

حکومت نیز باید این مالیات ها و منابع و سرمایه های عمومی را که در اختیار دارد تبدیل به امکانات عمومی نظیر اشتغال و بهداشت و آموزش و حمایت از اقشار محروم و تامین اجتماعی افراد ناتوان و کم توان و زنان سرپرست خانوار نماید. حکومت ملی دموکراتیک برخاسته از اراده عمومی باید به لحاظ حقوق شهروندی با تمامی شهروندان جامعه رفتار برابر داشته باشد. برابری حقوقی اولین اصل یک دولت دموکراتیک است. بدون برابری حقوقی کلیه شهروندان از هر تیره و دین و طایفه ای، آزادی و دموکراسی مفهوم خود را از دست می دهد. حکومت موظف است به کلیه عقاید و ادیان و اقوام مختلف در سراسر کشور به نحو یکسان و برابر احترام بگذارد و در این کار هیچ ترجیح یا تبعیضی قائل نشود. اقوام و طوایف ایرانی حق دارند هویت های قومی و آداب و رسوم و زبان و گویش های محلی خود را در حوزه جامعه مدنی حفظ و بدان عمل کنند. حکومت نه تنها حق مداخله در هویت های دینی و قومی و زبانی و آداب و رسوم مردم را ندارد، بلکه موظف است به نحو یکسان و برابر به آنها احترام بگذارد. باید بین جامعه سیاسی و جامعه مدنی و همچنین حقوق فردی و حقوق شهروندی تفکیک و تمایز قائل شد. دین و ایمان امری فردی و حتی خصوصی است و از جمله حقوق فردی محسوب می شود. لذا حکومت حق هیچگونه مداخله در امور فردی مثل دین و ایمان و عقاید افراد را ندارد. در غیر این صورت مثل گزینش های جمهوری اسلامی تبدیل می شود به دستگاه تقیض عقاید و موجب تضییع حقوق شهروندان می شود. لذا دین و ایمان فردی نباید ربط و نسبتی با جامعه سیاسی و حقوق شهروندی داشته باشد. افراد یک کشور از نظر فردی و زندگی خصوصی و ایمان و عقاید و حتی وضعیت اقتصادی متفاوت و حتی نابرابر هستند، اما برای حاکمان یک جامعه دموکراتیک این تفاوت ها و اختلافات فردی نباید موجب تبعیض حقوقی بین افراد به عنوان شهروندان جامعه سیاسی بشود. افراد به عنوان عضو یک جامعه سیاسی و شهروند، علیرغم تفاوت های فردی باید از حقوق برابر برخوردار شوند. با این تفکیک و تمایز انسان ها به عنوان فرد و افراد به عنوان شهروند، چون ایمان و عقاید و هویت های قومی در زمره حقوق فردی است و حوزه فعالیت آن جامعه مدنی است و ربطی به جامعه سیاسی و حقوق شهروندی ندارد، دیگر اهل هیچ دین و مذهب و قومیتی به اکثریت یا اقلیت تقسیم نمی شود. همه شهروندان برابر جامعه سیاسی هستند و باید از حقوق برابر نیز برخوردار شوند. زبان ها و گویش های اقوام مختلف به عنوان هویت قومی باید محترم شمرده شود. اما زبان فارسی به عنوان

جبهه ملی ایران در شماره ۱۹۸ نشریه داخلی خود اصول هشتگانه اعتقادی خود را به مثابه اصولی که می تواند کشور ایران را از بن بست کنونی نجات دهد منتشر کرد. این نوشته شرحی بسیار مختصر بر برخی از اصول فوق است.

ایران سرزمینی دارای تنوع قومی، دینی، مذهبی، زبانی و گویشی است که طی صدها سال با صلح و دوستی با هم رابطه و مراوده داشته و در کنار هم از خاک ایران پاسداری کرده اند. مهمترین عارضه ای که این مردم از آن رنج برده اند استبداد دیرپای تاریخی بوده است که حاکمان نالایق مستبد به آنان تحمیل کرده اند. اگر گوشه ای از این خاک به تاراج رفته است، نه تجزیه طلبی بوده است و نه اختلافات قومی، بلکه ضعف و ناتوانی حاکمان مستبد عامل آن بوده است. همه مردم ایران زمین در قبال این آب و خاک به عنوان سرای همه ایرانیان مسئولیت مستقیم دارند. اما هر مسئولیتی منوط به رفع تبعیض های عامدانه حاکمان و رفع محرومیت ها و احقاق حقوق برابر همه آحاد ملت از هر قومیت و لهجه و زبان و دین و مذهبی است. تنها با استقرار حاکمیت ملی برخاسته از اراده عمومی ملت ایران در یک نظام جمهوری مبتنی بر اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون است که می توان بر تبعیض ها و محرومیت ها خاتمه داد. هیچ حکومتی به تنهایی و بدون مشارکت عمومی مردم و آزادی های اساسی آنان، به ویژه آزادی احزاب، مطبوعات و انتخابات و رعایت تساوی حقوق زنان و مردان، قادر نخواهد بود تبعیض ها را رفع و محرومیت زدایی کند و اتحاد ملی را حفظ نماید. وقتی مردم طبق قانون دارای حقوق برابر باشند و تبعیض های قومی و دینی و جنسی از میان بریزند، همه ی مردم از هر قومیت و مذهب و... دینی به حقوق برابر دست یابند، به شکلی خود انگیخته در قبال حقوق و میهن خود احساس مالکیت و مسئولیت می کنند و از تمامیت ارضی ملک خود در مقابل هر متجاوزی از جان مایه می گذارند و از آن دفاع می کنند. حاکمیت ملی منوط به استقرار نظامی غیر ایدئولوژیک است که دین را با قرائتی انتحساری تبدیل به ابزار حکومت نکند. در عمل در همه جای دنیا و در طول تاریخ حکومت دینی تبدیل به دین حکومتی و ابزار سرکوب سیاسی شده است.

لذا برای حفظ احترام دین مبین اسلام و حرمت ایمان دینی مردم، دین و حکومت باید جدا باشند و حکام در اعتقادات دینی مردم دخالت نکنند. به تعبیر فیلسوف بزرگ جهان اسلام آیت الله دکتر مهدی حائری یزدی فرزند حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی بنیان گذار حوزه علمیه قم در کتاب «حکمت و حکومت» می گوید: «حکومت شعبه ای از حکمت است و چون حکومت از مقدرات عقل بشری است، شارع مقدس آن را به عقل بشری سپرده است. و چون عقل جمعی بهتر از عقل فردی امور پیچیده اجتماعی را تشخیص می دهد، پس عقل جمعی از طریق انتخابات باید راجع به امور جمعی تصمیم بگیرد. مملکت ملک مشاع شهروندان یک جامعه سیاسی است. از این رو صاحبان آن، یعنی عامه مردم باید در سرنوشت خویش مشارکت داشته باشند». ایمان دینی و تکرر عقائد دینی و سایر عقاید، از جمله حقوق فردی اعضای جامعه محسوب می شود و حوزه فعالیت آن جامعه مدنی است. نه حکومت حق دخالت در ایمان و عقائد مردم را دارد، نه ایمان دینی باید مزیتی شهروندی محسوب شود. لذا حکومت باید نسبت به ایمان و عقاید شهروندان بی طرف باشد. وظیفه حکومت استقرار عدالت اجتماعی و بالا بردن سطح رفاه عمومی بر اساس مبانی و روش

پيام
تجهم‌ملي ايران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا

<http://jebhemeliiran.org>

E-mail: info@jebhemeliiran.org